

درس هجدهم : عظمت نگاه

املا	لغت
<p>ناتانائیل - معطوف - آفریدگار - تصوّر - فسفر - اندرز - نیلگون - نسیم - ترک - چمنزار - غرق - رنگ هوس - آمادگی - تملک - تصاحبت - قائل - شامگاه - برهنه - نثار - کوزت - تنارديه - لحن - تعجب - فانوس - کاسب - تابه - غرغرنان - خلاف - معمول - بساط - فروشندگان - دسته ی سطل - غلیظ تر - مطمئن - اشباح و سایه - جرأت و جسارت - مجسم - گفتار - تضرع - غضب - هیکل - عاقبت - قد علم کردن - بوته های خار - بلوط - مُحال - سطل - نقاب - حزن انگیز - اعماق - مشتری - غلیظی - وضع - غم انگیز - ارغوانی - ظلمانی - مبهم - موحش و ترسناک - بوته های خار - سوت - مسلح - مهیا - وحشت - حالت غریب - غلبه - همه قوا - سطل - وحشت - عریان - جرأت گریستن - توقف - مخلوط - بلوط - هیکل - سخا - تقاضا</p>	<p>آشباح: ج شَبَح، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده می‌شود.</p> <p>اِکتفا: بسنده کردن، کفایت کردن</p> <p>تمایز: فرق گذاشتن ، جداکردن</p> <p>تملک: مالک شدن، داراشدن</p> <p>خَلَنگ: نام گیاهی است، علف جارو</p> <p>ذی حیات: جاندار</p> <p>عود: درختی که چوب آن قهوه‌ای رنگ و خوشبو است و آن را در آتش می‌اندازند که بوی خوش دهد.</p> <p>مُتَراکم: روی هم جمع شده، برهم نشیننده، انبوه</p> <p>مخوف: ترسناک، وحشت‌زا و هراس‌انگیز</p> <p>مُنحصِر: ویژه، محدود</p> <p>موحش: وحشت آور، ترسناک</p> <p>نثار: پیشکش کردن، افشاندن</p> <p>سَخا: بخشش، گرم، جوانمردی</p> <p>عنايات: ج عنایت، توجه، حفظ کردن</p> <p>اکرام: بزرگ داشتن، بخشش داشتن، احترام کردن</p> <p>بسیج: فراهم کردن، آمادگی</p>